

شکل‌گیری ملیت هوایی در چین و تأثیرات فرهنگ و زبان فارسی بر آن

ون یه شیون

ایران یکی از کشورهای باستانی جهان است. تاریخ کهن ایران تقریباً از همان آغاز پیوسته با تاریخ چین ورق خورده است. روابط مردم چین و ایران از دو هزار سال پیش آغاز شده است. تبادل سفرا و مبادلات فرهنگی و بازرگانی بین آنها نقش به‌سزایی در توسعه اقتصاد و فرهنگ دو کشور ایفا کرده است. جاده ابریشم از چانگان چین که امروز سی‌آن نامیده می‌شود، آغاز می‌شد و در امتداد از منطقه‌الان هه‌سی در استان گان‌سو و واحدهای مجاور حوضه‌تاریم در منطقه‌سین‌کیان می‌گذشت. سپس از طریق فلات پامیر و آسیای مرکزی و آسیای غربی به ساحل شرقی دریای مدیترانه می‌رسید. این راه مهم تجارتهی طولانی‌ترین راه زمینی دوران باستانی بود که طول آن به هفت هزار کیلومتر می‌رسید. به پیش راندن کاروان در این جاده مشهور، که از صحراها و کوه‌های پربرف عبور می‌کرد برای کسانی که به گرما و سرما و باد و بوران بی‌اعتنا بودند کاری بس توانفرسا بود. کشورهای مسیر جاده هر کدام با مبادلات فرهنگی و تجاری مهمی در ایجاد دوستی و تفاهم متقابل میان کشورها نقش داشتند.

ایرانیان ادیان خارجی را از راه جاده ابریشم به چین وارد کردند، آنها عبارت بودند از دین بودا، دین زرتشتی، دین مانی، دین اسلام و دین مسیح (کلیسای نسطوری). در جریان انتشار ادیان



مزبور ایرانیان نقش چشمگیری ایفا می‌کردند. از آنجایی که دین بودا، دین اسلام و دین مسیح بر چینی‌ها تأثیر داشته است تا به حال باقی مانده است. در عوض دین زرتشتی به‌خصوص دین مانی به‌دلیل پیوند با دهقانان انقلابی در مبارزات رنجبران علیه بیدادگران نفوذ بسیاری داشته است و تأثیر آن بیش از یک هزار سال یعنی از قرن سوم تا قرن یازدهم میلادی در چین پایدار بود. در این مقاله درباره شکل‌گیری ملیت مسلمان هوایی^۱ در چین و تأثیرات فرهنگ و زبان فارسی بر آن سخن رانده شده است.

چین کشوری با ملیت‌های گوناگون است که در آن ۵۶ ملیت سکونت دارند و ده ملیت آن مسلمانند که علاوه بر ملیت هوایی ۹ ملیت دیگر آن اویغور، قزاق، قرقیز، تاتار، اوزبک، تاجیک، دونگ‌سیان، سالار و بائوآن هستند.

سابقه تاریخی هوایی از بقیه آنها کمتر است. خصوصیت به‌وجود آمدن ملیت هوایی در واقع از تعداد زیاد مسلمانان آن خارجیان از قبیل ایرانیان، عرب‌ها و مردم آسیای مرکزی که به تابعیت چین درآمده بودند شکل گرفته است. به این معنا که نخست به دین اسلام پیوسته بودند و سپس به معنی واحد شکل گرفتند.

ابتدا باید به چگونگی به‌وجود آمدن ملیت هوایی در چین و نقش اسلام در آن اشاره کرد. بیش از ۱۳۰۰ سال است که از رواج دین اسلام در چین می‌گذرد. روابط ایران اسلامی با چین با استقرار دین اسلام در آسیای مرکزی به‌تدریج توسعه و گسترش یافت. ایرانیان و اعراب بسیاری، از جاده ابریشم یا از راه خلیج فارس برای داد و ستد به شهرهای چین مانند سی‌آن، گوانگ‌جو، چوان‌جو، هان‌جو، و یانگ‌جو سفر می‌کردند. در آن زمان چینی‌ها آنها را فن‌که^۲ یعنی مهمانان خارجی می‌نامیدند و محل فعالیت و زندگی آنها را فن‌که‌فن^۳ یعنی محل خارجیان می‌گفتند.

در تاریخ چین مدتی ایران و آسیای مرکزی با حکومت سلسله تانگ هم‌مرز بود. در سال ۷۵۶ میلادی دربار تانگ در فرونشاندن شورش آن‌لوشان از خلیفه کمک خواست. سربازان اعزامی خلیفه در فرونشاندن آن شورش و اخراج شورشیان از پایتخت به دربار تانگ کمک کردند. پس از جنگ آنها به سرزمین خود برنگشتند و با اجازه دربار تانگ در چانگ‌آن باقی



ماندند. بعضی‌ها نیز با دختران چینی ازدواج کردند. در سال ۸۶۲ میلادی با اجازه دربار تانگ مسجدی در چانگ‌آن ساخته شد. در آن زمان در غرب شهر چانگ‌آن ایرانیان بسیاری بودند که تعدادشان به چهار هزار نفر می‌رسید. چینی‌ها فرزندان و نسل‌هایشان را توشن‌فن که یعنی خارج‌یانی که در چین متولد شده بودند نامیدند. مسلمانان ایرانی، عرب و آسیای مرکزی در مدت هفتصد سال پس از ورود به چین، چون بیگانه زندگی و زبان و آداب و رسوم خود را حفظ کردند. در آن زمان زبان‌های فارسی، عربی و ترکی همزمان مورد استفاده قرار می‌گرفتند و چینی‌ها نیز آنان را «مهمانان» می‌نامیدند.

در اوایل قرن سیزدهم میلادی مغول‌ها بر چین و ایران استیلا یافتند. در چین پس از پیروزی مغولان بر این سرزمین قویلای‌قان نوه چنگیزخان قدرت کم‌نظیری به‌دست آورد و پادشاهی خود را یوان نام نهاد. همزمان با آن «ایلخانان»، نوادگان چنگیزخان، بر ایران حکومت می‌کردند که با خویشاوندان خود در چین روابط بسیار نزدیکی برقرار کرده بودند. راه‌های بازرگانی بین شرق و غرب دوباره فعالیت گذشته خود را از سرگرفت. جاده ابریشم در این دوره حیات تازه‌ای یافت. مغول‌ها پس از استیلا بر ایران و آسیای مرکزی سپاهی به چین فرستادند. آنها سربازان نیمه‌وقت بودند. هر زمان که به سرباز نیاز بود، بر اسب می‌تاختند و زمانی که به سرباز نیازی نبود به کشاورزی و دامپروری می‌پرداختند. محل استقرارشان در مسیر جاده ابریشم در شمال‌غربی، شمال و جنوب‌غربی چین بود. در عین حال همراه این سپاه بسیاری از صنعتگران و بازرگانان مسلمان ایرانی نیز به چین کوچ کردند. آنان بیشتر در شهرها و مسیر جاده‌ها سکونت داشتند. اقتصاد مشترکشان در کار کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی و بازرگانی شکل اولیه‌ای به خود گرفت تا آنجا که به هر جایی که رسیدند، مسجدی بنا کردند و پیرامون آن سکونت گزیدند. یکی از ویژگی‌های زندگی آنها پراکندگی در سراسر کشور و تمرکز در محله‌ای خاص است. چینی‌ها در آن زمان این مسلمانان را هویی نامیدند و خودشان نیز نام هویی را برای خود پذیرفتند.

گروه کثیری از مقام‌های عالی‌رتبه، دانشمندان، مبلغان دین اسلام و صنعتگران ماهر ایرانی نیز راهی چین شدند. مغول‌ها که از چینی‌ها برتر بودند، امور حکومتی را به‌وسیله مشاوران خارجی انجام می‌دادند. در آن زمان موقعیت اجتماعی مسلمانان بالاتر از چینی‌ها بود و تنها از مغول‌ها



فرمان می‌بردند و قدرت و نفوذشان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بیشتر بود. در این دوران زبان فارسی به‌عنوان زبان بین‌المللی در مسیر جاده ابریشم اهمیت بیشتری پیدا کرد. در دوران حکومت مغول در چین سندهای رسمی به سه زبان یعنی زبان مغولی، چینی و فارسی نوشته می‌شد و اداره مخصوصی تأسیس شد که وظیفه آن ترجمه اسناد رسمی بود. همه اینها برای پیشرفت مسلمانان در زمینه‌های مختلف سودمند بود. به تدریج دین اسلام از حمایت و تشویق حکومت مغول‌ها برخوردار شد. کوچ‌کنندگان مسلمان با تأثیر اجتماعی و عادات و رسوم قبلی خود وارد چین شدند. به هر جا که می‌رفتند مسجد را مرکز فعالیت اجتماعی خود می‌دانستند و روابط اقتصادیشان را نیز نزدیکتر می‌ساختند و تدریجاً سرنوشت سیاسی، وحدت مذهبی و آگاهی مشترک ملی آنها به وجود آمد. چون بسیاری از نخستین مسلمانان ایرانی بودند، اسلام از آغاز چین رنگ ایرانی به خود گرفت. چون ایرانیان مسلمان آن را تبلیغ می‌کردند، در دوران مغول دین اسلام تنها محدود به نسل‌های مسلمان ایرانی، عرب و مردم آسیای مرکزی نشد بلکه تبلیغات آن در ملیت‌های دیگر مانند «هان‌ها»، ملیت اصلی چینی مغول‌ها، اویغورها و قزاق‌ها آغاز شد. بدین جهت مسلمانان در دوران مغول در سراسر چین پراکنده شدند. بعد از دوران حکومت مغول امپراتوری سلسله مینگ با فرمانی دستور داد که مسلمانان باید لباس چینی بپوشند و نام خانوادگی چینی برگزینند. این تدابیر، آهنگ چینی شدن مسلمانان را سرعت بخشید. به‌طور کلی دین اسلام در ایجاد و شکل‌گیری ملیت هوایی و رشد و تکامل آن نقش مهمی ایفا کرده است. توسعه دین اسلام و گرایش چینی شدن مسلمانان نشان می‌دهد که اسلام که قبلاً دینی بیگانه و محدود به مسلمانان خارجی بود، میان مکتب‌های دینی چین جای خود را پیدا کرده است. از این رو می‌توان گفت ملیت هوایی از مسلمانان ایرانی، عرب و مردم آسیای مرکزی تشکیل شده که بیشتر آنها بعد از قرن سیزدهم میلادی به چین آمده‌اند و در آمیزش با چینی‌ها، مغول‌ها و اویغورها در مدتی طولانی رشد و تکامل یافته‌اند.

پس از حکومت مغول‌ها به‌علت آمیختن زندگی مسلمانان کوچی با چینی‌ها و آمیزش بیشتر چینی‌ها با آنها، مسلمانان بر زبان چینی تسلط یافتند و در طول تاریخ زبان چینی را به‌عنوان زبان مشترکشان پذیرفتند ولی تعدادی از کلمات فارسی را همچنان در زندگی و فعالیت‌های



مذهبی‌شان حفظ کرده‌اند. آنان هنگام سخن گفتن به‌جای جمله‌ها و کلمه‌های چینی جمله‌ها یا کلمه‌های کامل فارسی به‌کار می‌بردند.

برای توضیح بیشتر تأثیر فارسی بر زبان و زندگی و آداب و رسوم مسلمانان هویی بیشتر مثال‌ها از زمانی تحت عنوان *مراسم اسلامی تشییع جنازه* گرفته شده است. این رمان درباره زندگی مسلمانان هویی که در اطراف مسجد نیوجیه پکن سکونت داشتند، سخن به میان می‌آورد.

کلمات فارسی در فعالیت‌های مذهبی (مثال از رمان *مراسم اسلامی تشییع جنازه*)

۱- در صفحه ۲۵ این رمان آمده است: طبق دین اسلام مسلمانان هر روز پنج‌بار نمازی^۵ یعنی نماز می‌خواندند، بدین ترتیب قبل از طلوع آفتاب یعنی نماز بامداد، پیشین ظهر نماز پیشینی^۶ یعنی نماز پیشین، قبل از غروب آفتاب نماز دیگر^۷ یعنی نماز عصر، پس از غروب آفتاب نماز شام^۸ یعنی نماز شام و در شب نماز حوجوتان^۹ یعنی نماز خفتن.

۲- در رمان آمده هنگامی که طلوع‌الدین به لیان‌ای چین گفت که او از نسل شیخ قوام‌الدین است، لیان‌ای چین احساس کرد صدای رعد به گوش می‌رسد بی‌اختیار ایستاد و فریاد زد شای‌های، شای‌های^{۱۰} یعنی شیخ، شیخ.

۳- بعد از فوت ناگهانی لیان‌ای چین، دختر او دانست «پدرش چشم از جهان فرو بست. نباید او را ناراحت کرد. پدرش با بیمانی^{۱۱} یعنی ایمان آرام‌آرام به بهشت می‌رود».

مثال‌ها بسیار است. مسلمانان هویی امام را آهونگ^{۱۲} یعنی آخوند و وضو را آبودایسی^{۱۳} یعنی آبدست می‌خوانند.

نیت قبل از نماز را همه به زبان فارسی بیان می‌کنند. نیت نماز بامداد را مثال می‌آورم: نیت سنت نماز بامداد در ناحیه خودمختار نینگ‌سیا- ملیت هویی این است: «نیت کردم که بگزارم دو رکعت سنت نماز بامداد متوجه شدم به جهت کعبه خالق‌الله تعالی الله‌اکبر» کلمات دیگر مانند:

بیولسی^{۱۴} یعنی ابلیس

دوئن یا^{۱۵} یعنی دنیا

دیوو^{۱۶} یعنی دیو



تای سیبی^{۱۷} یعنی تسبیح

کلمات فارسی در زندگی هوایی (مثال از رمان *مراسم اسلامی تشییع جنازه*)

۱- در مراسم ازدواج خن‌تیان‌سین و چن‌سواين آخوند دربارهٔ عقد دائم از داماد و عروس می‌پرسد، مادر داماد به عروس می‌گوید: بگو دادن^{۱۸} و بعضی‌ها هم به داماد می‌گویند: بگو قایرتو.^{۱۹} در اینجا دادن یعنی دادم و گایرتو یعنی قبلت.

۲- در منزل لیان‌ای‌چین طلوع‌الدین هنگام معرفی ابراهیم گفت: او یتیمو^{۲۰} و دوست همراه من است. نام اسلامیش ابراهیم است. ابراهیم اسم خود را شنید و از طلوع‌الدین پرسید: بابا^{۲۱} شما مرا می‌خواهید؟ در اینجا یتیمو یعنی یتیم بوده و بابا یعنی بابا است.

۳- وقتی که آقای چو با خانم خن دربارهٔ بیماری سین‌بو صحبت می‌کردند، خانم خن گفت: آقای چو، خانواده ما با داشتن چنین دختر مریضی خیلی شومی^{۲۲} بود. در اینجا شومی یعنی شوم است. اینگونه کلمات در این رمان زیاد است. مثلاً دوست را دوستی^{۲۳}، دشمن را دوشیمام^{۲۴} می‌گویند. حتی مسلمانان هوایی چینی‌ها را هتایی^{۲۵} یعنی ختایی می‌نامند.

در این قسمت به مجلس عقد، نامزدی و مراسم ازدواج ملیت هوایی در ناحیهٔ خودمختار نینگ‌سیا اشاره خواهیم کرد. پس از آنکه پسر و دختر عاشق شدند، خانوادهٔ پسر برای خواستگاری به خانهٔ دختر می‌روند. در صورتی که پدر و مادر دختر پسر را بپسندند در روز معینی خانوادهٔ پسر با هدیه برای نامزدی به خانهٔ دختر می‌روند. خانوادهٔ دختر باید ضیافتی ترتیب دهد تا افراد خانوادهٔ پسر را مهمان کند. هنگامی که والدین دختر و پسر در برابر همهٔ مهمانان خود به یکدیگر سلام و مبارک‌باد گفتند، این عقد و نامزدی رسمی می‌شود.

در روز مراسم ازدواج عروس و داماد باید غسل کنند. در مراسم عروسی آخوند با صدای شاد نیکخواه می‌خواند و از داماد می‌پرسد: قبور کردن^{۲۶} یعنی «قبول کردی»؟ داماد جواب می‌دهد قبور کردن یعنی قبول کردم. بعد آخوند همین سؤال را از عروس می‌پرسد و عروس بعد از سه بار پرسش با صدای خجالت‌زده جواب می‌دهد: قبور کردن یعنی قبول کردم.



بررسی عادات و رسوم مسلمانان هویی و ویژگی آن از زمان مراسم اسلامی تشییع جنازه آداب و رسوم مسلمانان هویی که دین اسلام بر آن تأثیر زیادی کرده بود با آداب و رسوم چینی بسیار فرق دارد. از طرف دیگر از آنجا که آنها در سراسر چین سکونت دارند و با چینی‌ها درآمیخته‌اند بعضی موضوعات فرهنگ چینی بر آداب و رسوم مسلمانان هویی چین تأثیر زیادی گذاشته و باعث شده است آداب و رسوم آنان با مسلمانان کشورهای دیگر جهان تفاوت‌های زیادی پیدا کند.

۱- نامگذاری اسلامی در روز سوم پس از تولد

طبق رسم پکن در روز سوم پس از تولد باید بدن نوزاد را شست‌وشو بدهند. این رسم را خیسان^{۲۷} می‌گویند. خنی^{۲۸} یعنی شستن و سون^{۲۹} یعنی روز سوم. آخوند (در چین جای امام از آخوند استفاده می‌کنند) برای نوزاد نماز می‌خواند و برایش نامی اسلامی می‌گذارد. بدین جهت مسلمانان هویی دو اسم دارند، اسلامی و چینی. درباره این موضوع در رمان ذکر شده آمده است: خن‌جی‌چی برای نامگذاری از آخوند دعوت کرد ... آخوند پس از خواندن نماز دعا خواند و اول آرام آن را به گوش راست نوزاد فوت کرد و سپس به گوش چپش و نوزاد را زاغو زاغو^{۳۰} یعنی زمزم نام نهاد که اسم چاهی در مکه است. باید اشاره کرد که اسم اسلامی نویسنده این رمان فاطمه است.

۲- مراسم ازدواج

در مراسم ازدواج آداب و رسوم اسلامی بیشتر به چشم می‌خورد، مثلاً نوشتن ایجاب، هدیه برای نامزدی، خواندن نیکخواه، مراسم عقد دائم و غیره که در قسمت بالا به آنها اشاره شد. به‌علاوه مسلمانان هویی رسم چسباندن کلمه خنی^{۳۱} را که رسم چینی است قبول کرده‌اند. خنی به معنی سعادت است. این کلمات هم‌علامت ازدواج و هم محیط خوش بوده‌اند.

در رمان مزبور درباره این مورد می‌نویسد: روز قبل از مراسم ازدواج خن‌جی‌چی در دو طرف در خانه خود کلمه‌ای طولانی و هم در بالای در یک گروه کلمه چسباند.



۳- مراسم تشییع جنازه

بعد از فوت مسلمانان آخوند هنگام غسل نیت می‌کند: «نیت کردم که غسل واجب می‌سازم از برای برداشتن میت الهی از من قبول گردانی».

پس از غسل میتی^{۳۲} (میت) را کجان^{۳۳} (کفن) می‌پوشانند. سپس اقوام و دوستان به رهبری آخوند بر مرده نماز می‌خوانند. به‌علت اینکه این مراسم در حال ایستادن انجام می‌شود آن را ژان ژنازی^{۳۴} می‌نامند. ژان^{۳۵} به‌معنی ایستادن و جنازه است. در حمل تابوتی^{۳۶} (تابوت) به گورستان بازماندگان این خانواده باید نیتی^{۳۷} یعنی نیت کنند. نیتی از تلفظ «نیت» آمده اما در اینجا به‌معنی پول و خیرات است. قبل از کار دفن، مراسم جیدیه^{۳۸} یعنی «فدیه» برگزار می‌شود. آخوند به زبان فارسی نیت می‌کند.

«این وجه از برای اسقاط نمازها و روزهای فوت شده است از این میت همه عمر ساله که در ذمه اوست و او ادا نکرده است تاکنون به تو دادم تو قبول کردی، این وجه را از برای اسقاط ایمان و نذور کاذبه و وعده از این میت همه عمر ساله اوست و او ادا نکرده است. اکنون به تو دادم تو قبول کردی».

اما در مراسم تشییع جنازه قوم هوایی اثر عادات و رسوم چینی نیز دیده می‌شود. در بخش مراسم تشییع لیان‌ای‌چین در رمان نوشته شده است: «هشت جوان مسلمان تابوتی (تابوت) لیان‌ای‌چین را از خانه می‌برند».

طبق دین اسلام تعداد افرادی که تابوت را حمل می‌کنند چهار نفرند. اما مسلمانان هوایی پکن رسم پکنی را قبول کردند. برای نشان دادن مقام مرده و دامنه مراسم تشییع جنازه بر تعداد افراد حامل تابوت افزوده شده و حتی تعداد افراد به چهل و هشت نفر می‌رسید.

۴- نشانه دعای اسلامی

در بالای در خانه، رستوران و فروشگاه مسلمانان هوایی لوحه دعای اسلامی دارد. همیشه روی لوحه دعای اسلامی «لااله الاالله محمداً» نوشته می‌شود. مسلمانان این را کینگ‌ژن‌یین^{۳۹} می‌نامند.



مسلمانان هوایی با این نشانه دعای اسلامی روی در خانه، رستوران و فروشگاه خود را از چینی‌های غیراسلامی تشخیص می‌دهند. در رمان مزبور آمده:

«وقتی که طلوع‌الدین می‌خواهد در منزل لیان‌ای چین اقامت کند به وی می‌گوید: به محض اینکه لوحه دعای اسلامی روی در خانه‌تان را دیدم، فهمیدم که شما دوست مسلمان هستید». چنین رسمی در کشورهای دیگر وجود ندارد.

۵- مسلمانان با هم برادرند

در میان مسلمانان هوایی احساس برادری بین مسلمانان وجود دارد. مسلمانان در سراسر کشور چین سکونت دارند. آداب و رسوم اسلامیشان با چینی‌ها تفاوت چشمگیری دارد. از این‌رو روابط بین آنها نزدیک‌تر می‌شود و احساسات و دوستی با هم نشان می‌دهند. مسلمانان ناشناس پس از سلام گفتن، فوری به یکدیگر نزدیک می‌شوند. اگر یک مسلمان هوایی در سفر دشواری‌هایی داشته باشد، فقط باید مسجد را بیابد، مسلمانانی که دور مسجد زندگی می‌کنند دشواری‌هایش را حل می‌کنند.

در رمان مزبور چنین نوشته شده است: «طلوع‌الدین خواست برای زیارت به مکه برود. لیان‌ای چین نگران او بود. طلوع‌الدین گفت: مسلمانان اعضای یک خانواده‌اند. اطمینان دارم که هر جایی که می‌روم حتماً برادران مسلمانان و آب به من می‌دهند».

در قسمت دیگری از این رمان آمده است: «در زمان جنگ ضد ژاپنی بر اثر بمباران هوایی‌های ژاپنی بانو «هائی» شوهر و بچه خود را از دست داد و از شمال شرقی چین به پکن آمد. وقتی که آن علامت دعای اسلامی روی در خانه خن‌جی‌چی را دید وارد این خانه شد. صاحب‌خانه که با سرنوشت او همدردی می‌کرد، او را به‌عنوان عضو خانواده خود پذیرفت و بچه‌ها او را عمه نامیدند». احساس «مسلمانان با هم برادرند»، مسلمانان هوایی چین را متحد ساخته است.

میزان تأثیر زبان فارسی بر زبان مسلمانان هوایی که به‌طور پراکنده در نواحی مختلف چین زنده کرده‌اند کم و بیش فرق دارد. من فقط با استفاده از رمان تحت عنوان «مراسم تشییع جنازه



شمه‌ای در این باره توضیح دادم. داستان رمان مزبور درباره زندگی مسلمانان در اطراف مسجد معروف نیوجیه پکن توصیف شده است. این مسجد در زندگی مسلمانان پکن اهمیت زیادی دارد. سابقه این مسجد حدود هزار سال است. در آنجا تعدادی اشیای مهم و دو کتیبه به زبان فارسی و کتاب‌های فارسی و قرآن خطی گران‌بهایی با توضیحات فارسی وجود دارد. در کنار این مسجد آرامگاه دو دانشمند ایرانی به نام‌های احمد الرطانی القزوین و علی عمادالدین البخاری دیده می‌شود. این دو دانشمند در حدود سال ۱۲۷۰ میلادی به قصد تبلیغ دین اسلام وارد چین شدند و در پکن سکنی گزیدند و به مقام امامت مسجد نیوجیه پکن برگزیده شدند و پس از وفات آنها با احترامات و مراسم خاص در جوار هم دفن شدند و آثار آن هنوز به خوبی محافظت شده و باقی است.

پی‌نوشت‌ها

1. Hui.
2. Fan Ke.
3. Fan Ke Fan.
4. Tu Shen Fan Ke.
5. Namazi.
6. Pishini.
7. Digeier.
8. Shamu.
9. Hujutan.
10. Shai hai Shai hai.
11. Yimani.
12. Ahong.
13. Abudaisi.
14. Yibu lisi.
15. Duenya.
16. Diwu.
17. Taisibi.
18. Dadan.
19. Gaibier tu.
20. Yetimu.
21. Baba.
22. Shumi.
23. Duositi.
24. Dushimam.
25. Hetayi.



26. Gebuer keerdan.
27. Xisan.
28. Xi.
29. Sun.
30. Zanmu Zanmu.
31. Xi.
32. Maiti.
33. Kejan.
34. Zhan Zhenazi.
35. Zhan.
36. Tabuti.
37. Neitie.
38. Jeidiye.
39. Qing Zhen Yien.